

## چرا مسلمان شدم

آقای مصلحی شاد از دوین و نامه‌ای برای ما فرستاده است که قسمتی از آن را دیلا نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم :

نازکی نظر مسلمان شدن بکنفر اطراش بودم زیرا است شرح حال و اسلام آوردنش را از زبان خودش بشنوید :

نام من DR. MUCK است و معلم کتابفروشی است در سال ۱۹۳۵ میلادی من از کلیسای پروتستان خارج شدم تمام ادیان و مذاهب را مطالعه کردم بدون اینکه به آنها پیوندم در تمام مجامع و انجمنهای مذهبی رفته و مجدداً برگشتم سپس به اندک جاهای موم کتابی را جعبه‌ها باسلام خواندم که خیلی مرا جذب خود کرد و در سال ۱۹۵۹ میلادی یا حدود Subud آشنا شدم (محمدسو بودیکی از مسلمانان معروف جاوا است)

دوستان سال گذشته تا اینکه من دو و دویم ، دانش سفارت اندونزی و چند نفر از انواع اندونزی آشنا شدم ، بالاخره من بازم که اکثر سوئسی است سال گذشته من در مسکن را روزه گرفتیم و مرا فوق‌العاده تحت تأثیر قرار داد از این روز تا کنون روزهای ۲ شده و هر هفته روزه را روز می‌گیریم و ما به اینها رسیدیم که رسماً باسلام بگیریم

با محمد سو بود نوشتیم که بمادونام اندونزی اسلام بدهد سال گذشته این موضوع عملی شده است نام جدید من : Rizal و نام خانم من Jamaliah است در جواب این سؤال که چه چیز را اسلام بر شما مقبول آورد و مذاهب دیگر شما را تحت تأثیر قرار داده و جلب توجه شما را کرده است این شخص تازه مسلمان جلور خلاصه گفت :

- ۱ - بطور کلی تسلیم رضای خداوند بودن
- ۲ - اینکه انسان خدا را با فکر منطقی بشناسد
- ۳ - شگفت انگیز اینکه محمد (ص) بتواند کسی که از وطنش رانده شده بود بتواند در کم‌تأثیرین زمان يك نیروی جهانی بوجود بیاورد و بالاخره اینکه محمد صلی الله علیه و آله بتواند يك شخصیت بزرگ اخلاقی بشوید رسیده است
- ۴ - بالاخره ما این حقیقتی است که اسلام به انسان يك زندگی عملی می‌بخشد و باورهای این روحیات میدهد و تمام نکات و دقائق زندگی را برای او تشریح می‌سازد